



سومین نمایش ملی
بانوکمپوزیت
بزرگداشت حضرت خدیجه

۳۰ دی ماه ۱۴۰۰ ، استان یزد

ISIRI
مؤسسه تحقیقاتی و آموزشی
مركز

مؤسسه تحقیقاتی و آموزشی
مركز

سازمان پژوهش‌های علمی و اطلاع‌رسانی
سازمان پژوهش‌های علمی و اطلاع‌رسانی

سازمان پژوهش‌های علمی و اطلاع‌رسانی
سازمان پژوهش‌های علمی و اطلاع‌رسانی

سازمان پژوهش‌های علمی و اطلاع‌رسانی
سازمان پژوهش‌های علمی و اطلاع‌رسانی

CIVILICA

SID

حضرت خدیجه (س) از نگاه پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع)

سمیه سپهری^۱طیبه جهان تاب^۲هاجر رفیعی^۳

چکیده

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) نمونه بارز یک انسان وارسته و عاشق ولی زمان خود بودند. ایشان تمام مال و هستی خود را در راه دفاع و آبیاری نهال نوپای اسلام فدا کردند. حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، در برابر طوفان‌های سهمگین و اندوه‌های فراوان آغاز رسالت، برای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مایه آرامش بودند. این بانوی مکرمه نزد پیامبر اکرم و اهل بیت جایگاه ویژه‌ای داشتند که همواره به آن وجود پربرکت در موقعیت‌های متعدد مباحثات می‌کردند. در این مقاله به روش توصیفی جایگاه و منزلت این بانوی مکرمه نزد پیامبر و اهل بیت بیان شده است تا بدین وسیله، شیعیان نیز بیش از پیش به شأن و جایگاه والای ایشان پی ببرند و موجبات رضایت و خشنودی خدا و پیامبرش فراهم شود. سلام خدا و جبرئیل بر حضرت خدیجه، یاری کردن دین خدا و پیامبر، اسلام آوردن، برترین زن جهان، بیعت با حضرت علی، شاهراه فضائل، سرور زنان قریش و شفاعت‌کننده از عناوینی است که پیامبر و اهل بیت درباره حضرت خدیجه بیان داشتند.

واژگان کلیدی: حضرت خدیجه (س)، پیامبر اکرم (ص)، اهل بیت (ع)، نگاه.

۱. سطح سه، مؤسسه آموزش عالی امام حسین (علیه السلام)، s.sepehri1362@gmail.com

۲. سطح سه، مؤسسه آموزش عالی امام حسین (علیه السلام)، jahantabtaebah@gmail.com

۳. سطح سه، مؤسسه آموزش عالی امام حسین (علیه السلام).

مقدمه

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در خانواده‌ای اصیل و شریف از قبیله قریش به دنیا آمد. افراد خاندانش همگی اهل فضل، فداکاری و حمایت‌کننده از خانه کعبه بودند. ایشان دختر خویلد، فرزند اسد، فرزند عبدالعزی، فرزند قصی، فرزند کلاب است. قصی جد چهارم رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) است. اسد، فرزند عبدالعزی، جد پدری حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در زمره شخصیت‌های برجسته عصر خود به شمار می‌رفت. خویلد پدر حضرت خدیجه (سلام الله علیها) از دلیری و شجاعت بهره‌های وافری داشت و در میان خاندانش به‌عنوان فردی سلحشور معروف بود. خویلد مهتر طایفه خود بود و ریاست تیره اسد را عهده دار بود. حضرت خدیجه (سلام الله علیها) از طرف مادری دختر فاطمه، دختر زائده، فرزند اصم، فرزند رواحه است. با این توصیف نسب حضرت خدیجه (سلام الله علیها) از سوی مادر و پدر به حضرت اسماعیل و ابراهیم خلیل می‌رسد.

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) قبل از ولادت، در کتاب انجیل به‌عنوان بانوی مبارکه و همدم مریم در بهشت معرفی شده است. در این کتاب حضرت مسیح (علیه السلام) در وصف رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) آمده است: «نسل او از مبارکه است که همدم مادرت مریم است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۱، ص ۳۵۲؛ محدث قمی، ۱۴۲۹، ص ۷۰).

در دوران سیاه جاهلیت که یافتن زنهای پاک‌دامن بسیار سخت بود، حضرت خدیجه (سلام الله علیها) به دلیل پاکی و خلق‌وخوی پسندیده به طاهره معروف شد. در همان عصر، شخصیت او چنان تکریم خاص و عام قرار داشت که او را سیده نسوان (سرور بانوان) لقب دادند و با چنین عنوانی خطاب واقع می‌شد و از او مدح و تجلیل می‌شد. این بانو آن‌چنان کمالات و مقام‌های والا و ارجمندی را به خود اختصاص داد که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) پس از ازدواج با وی او را خدیجه کبری خطاب کرد (اعتماد السلطنه، ۱۳۹۴، ص ۱۱۱).

در دعای ندبه که از ناحیه مقدسه امام عصر (علیه السلام) روایت شده، از خدیجه به‌عنوان «غراً»؛ یعنی روشنی و درخشنده یاد شده است. بر اساس برخی روایات جناب ابوطالب در خطبه ازدواج حضرت خدیجه ایشان را کریمه و دارای مقام شامخ و برخوردار از شأنی ارجمند معرفی کرد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۷۹).

با آنکه حضرت خدیجه (سلام الله علیها) بانوی بانوان قریش و ملکه حجاز است و آنچنان نفوذ اجتماعی دارد که اشراف و اعیان مکه سر بر آستانش می‌رسانید و در خانه مجلل و قصر سبزش افراد صاحب نفوذ در حال رفت و آمدند؛ اما نسبت به محرومان و یتیمان و سرپرستی و دستگیری از این اقشار توجهی ویژه و اهمتامی فوق‌العاده دارد و به همین دلیل از لقب ام‌الایتام بهره می‌برد و خود این عنوان را بر سایر القاب

ترجیح می دهد. وقتی حضرت به عقد ازواج رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) درآمد، به ام المؤمنین (مادر اهل ایمان) معروف شد، «ام هندی» و «ام الزهراء» نیز از دیگر کنیه های ایشان است.

کتاب هایی درباره فضائل حضرت خدیجه (سلام الله علیها) نوشته شده است از جمله: کتاب «خصائص ام المؤمنین خدیجه الکبری» از حسین تهرانی در سال ۱۳۹۳ است که ۱۶۰ ویژگی حضرت را بیان کرده است. کتاب «این گونه بود خدیجه الغراء ام المؤمنین (سلام الله علیها)» از فیض الله ویسی در سال ۱۳۹۸ در دو جلد خصائص و ویژگی های آن حضرت را بیان کرده است. اما این مقاله در صدد آن است که شخصیت حضرت خدیجه را از نگاه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و اهل بیت (علیهم السلام) بررسی کند.

خصائص و فضائل حضرت خدیجه از نگاه پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام)

در سخنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و اهل بیت (علیهم السلام) خصائص و ویژگی هایی برای حضرت خدیجه (سلام الله علیها) آمده است:

۱. سلام خدا و جبرئیل بر حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

در حدیثی که عیاشی در تفسیر خود از ابی سعید خدری روایت کرده این گونه است که رسول خدا فرمود: «در شب معراج هنگامی که بازگشتم به جبرئیل گفتم: آیا حاجتی داری؟» گفت: «حاجتی ان تقرأ علی خدیجه من الله و منی السلام؛ حاجت من این است که خدیجه را از سوی خداوند و از سوی من سلام برسانی.» چون رسول خدا سلام خدا و جبرئیل را به خدیجه ابلاغ فرمود، خدیجه در پاسخ گفت: «ان الله هو السلام و منه السلام و الیه السلام و علی جبرئیل السلام؛ همانا ذات پاک خدا سلام است و از او است سلام و سلام به سوی او باز گردد و بر جبرئیل سلام باد» (قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۷۹؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۱۳۳).

۲. یاری کردن دین خدا و پیامبر خدا

وقتی که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، کفار و مشرکین و بت پرستان را به دین اسلام دعوت می کرد، قریش ایشان را اذیت کرده و مورد طعن و ناسزا قرار می دادند؛ اما وقتی با باری از غم و اندوه به خانه بر می گشت، با دیدن حضرت خدیجه (سلام الله علیها) و تسکین و دلداری ایشان، غم و اندوه از چهره پیامبر می رفت که خود حاکی از این است که در بین زنان رسول خدا، هیچ کس مقامش به مقام حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) نمی رسیده است چنانچه رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: «خَدِجَةُ وَ آيْنٌ مِثْلُ خَدِجَةَ صَدَقْتَنِي حِينَ كَذَّبَنِي النَّاسُ وَ آزَرْتَنِي عَلَى دِينِ اللَّهِ وَ آعَانَتَنِي عَلَيْهِ بِمَالِهَا إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَنِي أَنْ أَبْشُرَ خَدِجَةَ بَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبِ الزُّمُرْدِ لَأَصْحَبَ فِيهِ وَ لَأَنْصَبَ خَدِجَةَ وَ كَجَاسْتِ مَا نَدَّ خَدِجَةَ! مرا تصدیق کرد هنگامی که مردم مرا تکذیب کردند و بر دین خدا یاری ام کرد و با همه مال خود کمکم کرد. خدا

به من دستور داد خدیجه را به قصری از زمره که در بهشت دارد و هیچ رنج و زحمتی در آن نیست بشارت دهم» (خوارزمی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۵۰؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۱، ص ۳۵۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۱۳۱).

۳. اسلام آوردن حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

از عایشه روایت کرده اند که گوید: «هیچگاه نمی شد که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) از خانه بیرون رود جز آنکه خدیجه را یاد می کرد و ستایش و مدح او را می کرد، تا اینکه روزی طبق همان شیوه ای که داشت نام خدیجه را برد و او را یاد کرد. در این وقت رشک و حسد مرا گرفت و گفتم: «هل کانت الا عجوذا فقد ابدلک الله خیرا منها؛ خدیجه جز پیرزنی بیش نبود در صورتی که خداوند بهتر از او بهره تو کرده!» عایشه گوید: در این وقت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) که این سخن مرا شنید غضبناک شد، به حدی که از شدت غضب موهای جلوی سر آن حضرت حرکت کرد. آنگاه فرمود: «و الله ما ابدلنی الله خیرا منها، آمنت اذ کفر الناس، و صدقتنی و کذبتنی الناس، و واستنی فی مالها اذ حرمنی الناس و رزقتنی الله منها اولادا اذ حرمنی اولاد النساء؛ به خدا سوگند خداوند بهتر از او زنی به من نداده است. او بود که به من ایمان آورد هنگامی که مردم کفر ورزیدند و او بود که مرا تصدیق کرد و مردم مرا تکذیب کرده (و دروغگویم خواندند) و او بود که در مال خود با من مواسات کرد (و مرا بر خود مقدم داشت) در وقتی که مردم محروم کردند و از او بود که خداوند فرزندان روزی من کرد و از زنان دیگر نسبت به فرزند محروم ساخت (ابن اثیر، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۴۳۸).

۴. یکی از چهار زن برتر جهان

در کتاب های حدیثی شیعه و اهل سنت آمده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «خیر نساء العالمین اربع، مریم و آسیه و خدیجه و فاطمه؛ بهترین زنان جهانیان چهار زن هستند: مریم و آسیه و خدیجه و فاطمه» (همان، ص ۴۳۷).

۵. بیعت حضرت خدیجه (سلام الله علیها) با حضرت علی (علیه السلام)

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بعد از اینکه به رسالت مبعوث شد، حضرت علی (علیه السلام) و حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) به ایشان ایمان آورده و بیعت کردند. بعد از بیعت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، حضرت از همسرش خواست که با امام بعد از پیامبر یعنی حضرت علی (علیه السلام) بیعت کند و به ولایت ایشان اقرار کند. حضرت خدیجه (سلام الله علیها) بی درنگ با حضرت علی (علیه السلام) بیعت کرد: «ثم قال یا خدیجه هذا علی مولاک و مولی المؤمنین و امامهم بعدی قالت صدقت یا رسول الله قد بايعته علی ما قلت اشهد الله و اشهدک و کفی بالله شهيدا علیما؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: ای خدیجه! این علی است، مولای تو و مولا و امام مؤمنین بعد از من. خدیجه فرمود: راست فرمودی ای رسول خدا! همانا من همان گونه که شما

فرمودی با او بیعت کردم؛ خداوند و تو را بر این کار شاهد می‌گیرم و همانا برای شهادت خداوند گواه و دانا کفایت می‌کند.»

۶. شاهراه فضائل

وجود مقدس امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز از حضرت خدیجه (سلام الله علیها) به نیکی یاد کرده و در فراق از دست دادن ایشان و پدر گرامی‌شان حضرت ابوطالب (علیه السلام) اشک ماتم می‌ریختند و این ابیات را سرودند: «هان ای دو چشم من! باران اشک از آسمان دیدگانم فرو بارید... بر همان بانوی خودساخته و پاک‌روش و پاک‌منشی که خداوند خیمه و سرای او را پاک و پاکیزه ساخت؛ بانوی پربرکتی که خدا او را [به‌خاطر ایمان و کردار شایسته‌اش] به شاهراه فضیلت‌ها رهنمون ساخت...» (میبدی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۵۹).

۷. سرور زنان قریش

وجود مقدس امام صادق (علیه السلام) نیز از حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) به بزرگی یاد کرده و چنین فرمودند: «وَهِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ قُرَيْشٍ، وَقَدْ خَطَبَهَا كُلُّ صِنْدِيدٍ وَرَيْسٍ قَدْ أَبْتَهُمْ، فَزَوَّجَتْهُ نَفْسَهَا لِلذِّي بَلَغَهَا مِنْ خَبْرٍ بِحِيرَاءَ؛ و او سرور زنان قریش بود و هر زمامدار و رئیسی او را خواستگاری کرده بود ولی او خودش را به عقد کسی در آورد که خبر بحیراء به او رسیده بود» (الحمیری القمی، ۱۴۱۳ق، ص ۳۲۵).

۸. شفاعت‌کننده

بشرین حبیب می‌گوید از امام صادق (علیه السلام) راجع به تفسیر آیه «بین آن دو پرده‌ای است و در اعراف مردانی هستند» سؤال شد، امام فرمود: «دیواری بین بهشت و جهنم است، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، علی، حسن، حسین، فاطمه و خدیجه (سلام الله علیها) بر روی آن ایستاده‌اند. فریاد می‌زنند کجایند دوستداران ما؟ کجایند شیعیان ما؟ دوستان و شیعیان را به خدمت آن بزرگواران می‌آورند که آن‌ها را به نام و نام پدرهاشان می‌شناسند. این است تفسیر آیه «هر کدام آن‌ها را به چهره می‌شناسند» دست آن‌ها را می‌گیرند و از پل صراط عبور می‌دهند و وارد بهشت می‌کنند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۴، ص ۲۵۵). در این روایت حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در کنار معصومین (علیهم السلام) محبین و شیعیان را شفاعت می‌کند.

مباهات پیامبر اکرم و اهل بیت (علیهم السلام) به حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) در مناسبت‌های مختلف به وجود حضرت خدیجه (سلام الله علیها) مباهات و افتخار کرده‌اند:

۱. مباحث پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

۱،۱- روزی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در مسجد در حضور مردم در شأن امام حسن و حسین می فرماید: «ایها الناس! الا اخبرکم بخیر الناس جدا و جدہ؛ ای مردم! آیا شما را خبر ندهم به بهترین انسانها از جهت جد و جدہ؟» حاضران عرض کردند: «آری، خبر بده!» فرمود: «الحسن والحسین، جدہما رسول الله و جدتہما خدیجہ بنت خویلد؛ آنها حسن و حسین: هستند که جدشان رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) است و جدہ آنها خدیجہ (سلام الله علیها) دختر خویلد است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۳۰۲).

۲،۱- هنگامی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در بستر رحلت قرار گرفتند، حضرت زهرا (سلام الله علیها) بسیار پریشان و گریان بود. پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)، حضرت زهرا (سلام الله علیها) را به وجود پربرکت حضرت علی (علیه السلام) که دارای ویژگی های برجسته است دلداری داد و در فرازی از مادرش حضرت خدیجہ (سلام الله علیها) نیز یاد کرد و فرمود: «ان علیا اول من آمن بالله عزوجل و رسوله من ہذہ الامہ، ہو و خدیجہ امک؛ همانا علی (علیه السلام) نخستین شخص از این امت است که به ذات پاک خدا و رسولش ایمان آورد، او و خدیجہ (سلام الله علیها) مادر تو اولین افرادی هستند که به اسلام پیوستند (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۷، ص ۲۰۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۲، ص ۵۰۲).

۲. مباحث اهل بیت (علیہم السلام) به حضرت خدیجہ (سلام الله علیها)

۱،۲- در عصر خلافت امام حسن مجتبی (علیه السلام) پس از آنکه معاویہ بر اوضاع مسلط شد، به کوفہ آمد و چند روز در کوفہ ماند. از مردم برای خود بیعت گرفت. پس از پایان کار بر بالای منبر رفت و خطبه خواند. در آن خطبه آنچه توانست به ساحت مقدس امیرمؤمنان علی (علیه السلام) جسارت کرد و ناسزا گفت، با اینکه امام حسن و امام حسین در مجلس حاضر بودند. امام حسین (سلام الله علیها) برخاست تا پاسخ معاویہ را بدهد، امام حسن (علیه السلام) دست او را گرفت و نشانید و خود برخاست و فرمود: «ای آنکه علی (علیه السلام) را به بدی یاد کردی؟ منم حسن و پدرم علی (علیه السلام) است. تو معاویہ و پدرت صخر است، مادر من فاطمہ (سلام الله علیها) است و مادر تو هند است، جد من رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) است و جد تو حرب است. «و جدتی خدیجہ و جدتک فتیلہ...؛ جدہ من خدیجہ (بانوی بزرگ اسلام) ولی جدہ تو فتیلہ (زن زشتکار جاهلیت) است. خداوند لعنت کند از ما آن کس که نامش پلید و حسب و نسبش پست و سابقه اش بد و دارای کفر و نفاق است.» گروه های مختلفی که در مسجد بودند گفتند: آمین (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۷۳).

۲،۲- نظیر حادثه فوق در مدینہ در مسجد النبی رخ داد. امام حسن (علیه السلام) پای منبر معاویہ برخاست و به وجود جدہ اش ام المؤمنین حضرت خدیجہ (سلام الله علیها) افتخار کرده و فرمود: «و جدتی خدیجہ و

جدتک نشیله؛ جده من أم المؤمنین خدیجه (سلام الله علیها) و جده تو نشیله است.» یعنی تو از نسل نشیله (ناپاک) به وجود آمده‌ای، ولی من از نسل أم المؤمنین خدیجه کبری (سلام الله علیها) هستم، و فرق است بین ناپاک‌زاده و پاک‌زاده» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۹۰؛ ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۴۷).

۳،۲- در ذیل آیه ۱۸ سوره انفطار که خداوند متعال فرموده است: «فِي أَى صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ» امام مجتبی (علیه السلام) فرمودند: «صَوَّرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فِي ظَهْرِ أَبِي طَالِبٍ عَلَى صُورَةِ مُحَمَّدٍ فَكَانَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَشْبَهَ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ ص وَكَانَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ أَشْبَهَ النَّاسِ بِفَاطِمَةَ وَكُنْتُ أَنَا أَشْبَهَ النَّاسِ بِخَدِيجَةَ الْكُبْرَى؛ خداوند متعال علی بن ابی طالب را - هنگامی که در پشت ابوطالب بود- به چهره رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) آفرید و علی بن ابی طالب (علیه السلام) شبیه رسول خدا بود و حسین بن علی به فاطمه شبیه بوده و من به جدهام خدیجه کبری شبیه هستم» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶هـ ج ۴، ص ۲).

۴،۲- امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا در ضمن خطبه‌ای که خود را به دشمن معرفی می‌کرد، فرمود: «شما را به خدا سوگند، آیا می‌دانید که جده من خدیجه (سلام الله علیها) دختر خویلد است؟...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴، ص ۳۱۸) و نیز خطاب به دشمن فرمود: «آیا می‌دانید که من فرزند همسر پیامبر شما خدیجه (سلام الله علیها) هستم؟» (همان، ج ۴۵، ص ۶).

۵،۲- همچنین امام حسین (علیه السلام) در بخشی دیگر خطاب به سپاه مقابل چنین فرمودند: «أَنْشُدُكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ ص قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ قَالَ أَنْشُدُكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ أَبِي عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ قَالَ أَنْشُدُكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ أُمِّي فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى صَقَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ قَالَ أَنْشُدُكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ جَدَّتِي خَدِيجَةَ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ أَوَّلُ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِسْلَامًا قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ؛ شما را به خدا قسم آیا می‌دانید که رسول خدا جد من است؟ گفتند: آری. شما را به خدا قسم آیا می‌دانید که مادرم فاطمه دختر محمد مصطفی است؟ گفتند: آری. شما را به خدا قسم آیا می‌دانید که پدرم علی بن ابی طالب است؟ گفتند: آری. شما را به خدا قسم آیا می‌دانید که جدهام خدیجه دخت خویلد اول زن مسلمان از این امت است؟ گفتند: آری» (سیدبن طاووس، ۱۳۹۵، ص ۸۶).

۶،۲- پس از حادثه جانکاه کربلا و پیروزی حق بر باطل، کاروان اسرا به سمت کوفه و سپس شام در حرکت بود. حجت خدا؛ امام سجاد (علیه السلام) و حضرت زینب (سلام الله علیها) بزرگان این کاروان غم‌بار بودند. آزار و اذیت خاندان آل الله از طرفی، دوری مسیر و بد رفتاری ظالمین و ستمگران یزیدی از طرفی دیگری باعث رنجش خاطر فرزندان رسول خدا شده بود. پس از بی‌احترامی‌های آنان نسبت به اهل بیت (علیهم السلام)، وقتی خاندان عصمت و طهارت در مسجد اموی دمشق اجلال نزول کردند و مجلس یزید (لعنه الله علیه) نیز برپا بود. یزید در صدد این بود تا با جسارت تمام، خاندان اهل بیت (علیهم السلام) را خارجی و افراد یاغی و سرکش

معرفی کند. پس از آنکه اهل بیت (علیهم السلام) بر مجلس یزید وارد شدند، یزید عنان سخن را به دست گرفته و شروع به یاهوسرایی کرد.

وجود مقدس امام سجاد (علیه السلام) نیز با مشاهده این سخنان باطل و دروغ‌گویی یزید، ایستاد و خطبه‌ای مفصل در رسواسازی بنی‌امیه بیان کردند و پس از حمد الهی، در معرفی خود چنین فرمودند: «یا مَعْشَرَ النَّاسِ فَمَنْ عَرَفَنِي فَقَدْ عَرَفَنِي وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْنِي فَأَنَا أَعْرِفُهُ نَفْسِي أَنَا ابْنُ مَكَّةَ وَمِنِّي أَنَا ابْنُ مَرْوَةَ وَالصَّفَا أَنَا ابْنُ مُحَمَّدِ الْمُصْطَفَى... أَنَا ابْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى أَنَا ابْنُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ أَنَا ابْنُ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى أَنَا ابْنُ الْمُقْتُولِ ظُلْمًا...؛ ای گروه مردم! هر کسی مرا می‌شناسد که می‌شناسد و هر کسی که مرا نمی‌شناسد خودم را معرفی می‌کنم. من فرزند مکه و منی هستم. من فرزند زمزم و صفا هستم، من فرزند محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله وسلم) هستم... من فرزند علی مرتضی و فاطمه زهرا و خدیجه کبری و کسی که به ظلم کشته شده {یعنی امام حسین} هستم» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ هـ ج ۴، ص ۱۶۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴، ص ۱۷۴).

۷،۲- همچنین امام سجاد (علیه السلام) در ضمن صلواتی بر اهل بیت (علیهم السلام)، نام حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) را برده‌اند چنانچه فرمودند: «اللهم صل علی محمد المصطفی، و علی علی المرتضی، و فاطمة الزهراء، و خدیجة الكبرى، و الحسن المجتبی...؛ خدایا بر محمد مصطفی و علی مرتضی و فاطمه زهرا و خدیجه کبری و حسن مجتبی: درود بفرست» (صحیفه سجادیه).

۸،۲- سید بن طاووس دعایی را از امام حسن عسکری (علیه السلام) نقل کرده که آن حضرت در نیایش خود ضمن صلوات بر حضرت فاطمه زهرا، بر مادر ایشان حضرت خدیجه کبری نیز درود می‌فرستد: «فَصَلِّ عَلَيْهَا وَ عَلَيَّ أُمَّهَا خَدِيجَةَ الْكُبْرَى صَلَاةً تُكْرِمُ بِهَا وَجْهَ أَبِيهَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله؛ خدایا بر او [حضرت زهرا] و بر مادرش خدیجه کبری درود بفرست. درودی که به واسطه آن مقام پدرش (صلی الله علیه و آله وسلم) گرامی داشته شود» (طوسی، ۱۴۱۱ هـ).

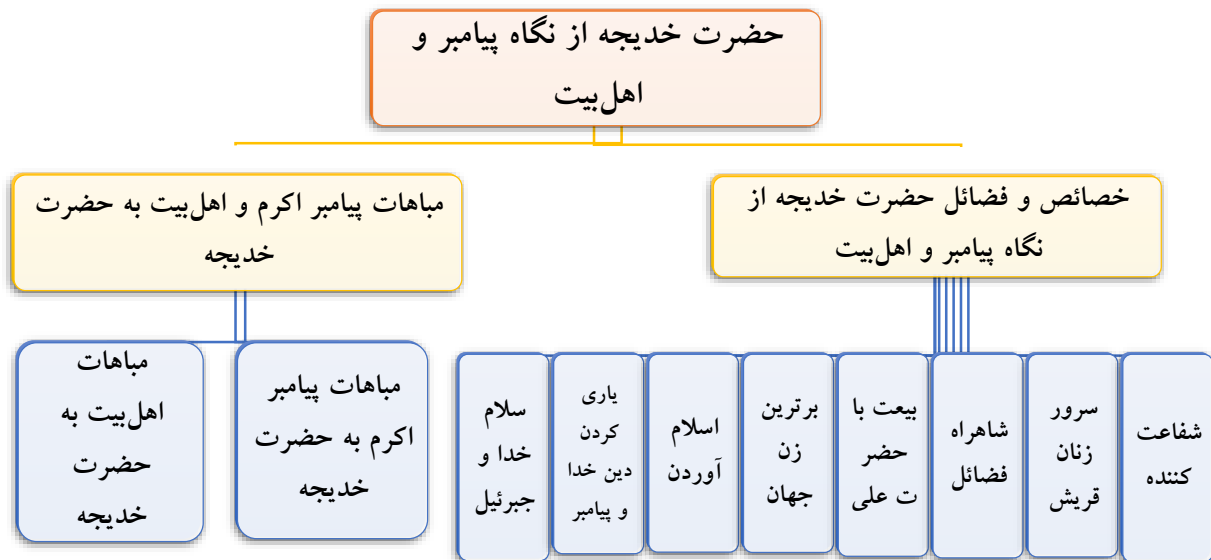
۹،۲- در دعای ندبه که از ناحیه مقدسه امام زمان (علیه السلام) صادر شده است، در فرازی با توجه به حضرت ولی عصر (علیه السلام) چنین می‌خوانیم: «این ابن النبی المصطفی، و ابن علی المرتضی، و ابن خدیجه الغراء؛ کجاست پسر پیامبر برگزیده (صلی الله علیه و آله وسلم) و پسر علی پسندیده (علیه السلام) و پسر خدیجه بلند مقام (سلام الله علیها)؟» واژه «غراء» به معنی شامخ و ارجمند است که در اینجا به عنوان صفت برای ام المؤمنین حضرت خدیجه (سلام الله علیها) ذکر شده است.

در اکثر زیارت‌نامه‌هایی که از طرف امامان معصوم (علیهم السلام) و اولیاء خدا برای امامان و امامزادگان تنظیم شده است، از ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) یاد شده است. آن‌ها پس از سلام به پیامبران

اولوالعزم به ایشان سلام داده‌اند تا همواره یاد ایشان در خاطره‌ها تجدید شود و زائران با ایمان به پیشگاه ایشان سلام عرض کنند و ایشان را در خانه خداوند واسطه قرار دهند.

نتیجه گیری

حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) از همه لحاظ از دیگر همسران رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) برتر بودند و فضایل و مناقبی که در منابع فریقین برای آن بانو نقل شده است، گواهی بر این مطلب است. قطعاً مجاهدت‌های حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) بود که درخت نوپای اسلام تنومند گشته و با ایمانی راسخ و عمیق بر اعتلای دین خدا کوشیدند. مدح و فضائل ایشان در کلام پیامبر و اهل بیت (علیه السلام)، خود نیز حاکی از مقام والای ایشان دارد.



(جدول شماره ۱: حضرت خدیجه از نگاه پیامبر و اهل بیت)

منابع

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبئه الله، (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی (ره).
۲. ابن اثیر، عز الدین، (۱۴۱۷هـ)، الکامل فی التاریخ، ج ۱، چ ۱، بیروت، الناشر: دار الکتب العربی.
۳. ابن الأثیر، عز الدین، (۱۴۱۵هـ)، أسد الغابۀ فی معرفۀ الصحابۀ، المحقق: علی محمد معوض - عادل أحمد عبد الموجود، ج ۵، الناشر: دار الکتب العلمیۀ الطبعة.
۴. ابن حجر العسقلانی، أحمد بن علی بن محمد، (۱۴۱۵)، الإصابه فی تمییز الصحابه، ج ۴، تحقیق: عادل أحمد عبد الموجود وعلی محمد معوض.
۵. ابن هشام، عبدالملک، (بی تا)، سیره ابن هشام، ج ۱، چ ۱، بیروت، ناشر: دار المعرفه.
۶. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۹۵۶م)، مناقب آل ابی طالب (علیهم السلام)، تحقیق: لجنة من أساتذۀ النجف الأشرف، ج ۴، ناشر: المکتبه والمطبعة الحیدریه.
۷. اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۱ق)، کشف الغمۀ فی معرفۀ الائمة، ج ۱ و ۲، مصحح: سیدهاشم رسولی محلاتی، تبریز: بنی هاشمی.
۸. اعتماد السلطنه، محمدحسن خان، (۱۳۹۴ش)، خیرات حسان، چ ۱، ناشر: پژوهشگاه علوم اسلامی و مطالعات فرهنگی.
۹. الإمام زین العابدین (علیه السلام)، الصحیفة السجادیه، تحقیق: السید محمد باقر الموحّد الابطحی الإصفهانی، قم: مؤسسه الأنصاریان للطباعة والنشر.
۱۰. الحمیری القمی، عبد الله بن جعفر، (۱۴۱۳هـ)، قرب الاسناد، چ ۱، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
۱۱. خراسانی، محمد هاشم، (۱۳۸۸ش)، منتخب التواریخ، تهران: اسلامیة.
۱۲. خوارزمی، موفق بن احمد، (۱۴۱۱هـ)، المناقب، المحقق: الشیخ مالک المحمودی، چ ۲، الناشر: مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۳. سبط ابن جوزی، (۱۴۲۶ق)، تذکره الخواص من الامه فی ذکر خصائص الائمة، ناشر: مجمع جهانی اهل بیت.
۱۴. سید ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۳۹۵)، اللهوف فی قتلی الطفوف، مترجم: محمد اسکندری، ناشر: آرام دل.
۱۵. الطوسی، الشیخ ابو جعفر، (۱۴۱۱هـ)، محمد بن الحسن بن علی بن الحسن (متوفای ۴۶۰ق)، مصباح المتهدج، بیروت: مؤسسه فقه الشیعة.

۱۶. قمی، عباس، (۱۴۲۹ق)، *کحل البصر فی سیره سیدالبشر*، محقق: حریری نژاد، عبدالرزاق، بیروت: مؤسسه البلاغ.
۱۷. قمی، عباس، ۱۴۱۴ق، *سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار مع تطبیق النصوص الواردة فيها علی بحار الأنوار*، ج ۱، چ ۱، قم: اسوه.
۱۸. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، ج ۱۶، ج ۲۱، ج ۲۲، ج ۲۴، ج ۴۳، ج ۴۴، چ ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۹. محلاتی، شیخ ذبیح الله، (۱۳۶۹ش)، *ریاحین الشریعه*، ج ۲، تهران: دارالکتاب الاسلامی.
۲۰. محمدی اشتهاودی، محمد، (۱۳۷۷)، *اسطوره ایثار و مقاومت*، چ ۱، ناشر: نبوی.
۲۱. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق)، *الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، مصحح: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، چ ۱، قم: کنگره شیخ مفید.
۲۲. میدی، حسین بن معین الدین، (۱۴۱۱ق)، *دیوان أمير المؤمنين (علیه السلام)*، مترجم: زمانی، مصطفی، چ ۱، دار النشر: دار نداء الإسلام للنشر.